



# قرآن کریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## قرآن کریم

پیامبر صلی الله علیه و آله-می فرماید:

هیچ زن و مرد مؤمن، آزاد و برده ای نیست مگر اینکه خداوند بر او حقی واجبی دارد که باید (به اندازه توانش) قرآن را بیاموزد و در آن (بیندیشد و نسبت به احکام و معارفش) آگاهی پیدا کند..

علم تجوید قرآن

تجوید مصدر باب تفعیل ، در لغت به معنای نیکو کردن و در اصطلاح، علمی است که در آن از شناسایی مخارج و صفات حروف زبان عربی و محل وقف و وصل و قواعد و دستورهای قرائت قرآن مجید و نیکو

خواندن آن بحث می کند . تجوید راهنما و ضامن صحت قرائت است و قرآن کریم که کلام

پروردگار و اشرف و اکمل کتب آسمانی است باید طبق اصول و قواعد این علم شریف تلاوت شود

چنانکه در آیه چهارم سوره ی مزمل فرموده : وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا

ان شاء الله خواندن صحیح قرآن ، مقدمه ای برای دانستن معانی ، تدبیر ، تفکر و عمل کردن به

احکام آن باشد.

در این مجموعه مختصر با بعضی از قواعد مهم روخوانی و تجوید آشنا می شویم .

حروف ناخوانا(حروفی که نوشته شده ولی خوانده نمی شوند)

در قرآن کریم به چهار حرف (ا - ل - و - ی) بر می خوریم که در بعضی از کلمات نوشته شده ولی

خوانده نمی شوند. در این مبحث با موارد آنها و علت نوشتن و خوانده نشدنشان نیز آشنا

خواهید شد.

۱- پایه و کرسی همزه:

همزه از حروفی است که در نوشته های قدیمی عربی شکل خاصی نداشت.

در ابتدای کلمه بصورت الف و در وسط و آخر کلمه با توجه به حرکت همزه یا حرکت حرف

قبلش، آن را به صورت (ا، و، ی) می نوشتند، بعدها که قرآن را برای صحت قرائت، علامت

گذاری کردند، این شکل (ء) را برای همزه وضع نمودند و آن را روی سه حرف مذکور قرار

دادند (□□□ → - و - ی) تا قاری قرآن چگونگی تلفظ صحیح آن سه حرف را تشخیص دهد. بنابراین، طبق نوشته های امروزی، این سه حرف (ا - و - ی) دیگر خوانده نمی شوند و در حکم پایه و کرسی همزه محسوب می شوند، مانند:

سَأَلَ - فَوَادٍ - يَبْدِي - أَمْرَتُ - يَسْتَهْزِي - مُؤَصَّدَةٌ - مُؤْمِنٌ - تُؤْوِي - أَعْشَاءُ نَاهِنٌ - يُؤْخِذُكُمْ - يُنْشِئُ - لُؤْلُؤًا - فَتَوْمُونًا.

لازم به یادآوری است که بعضی وقتها یاء کوچک (ی) پایه و کرسی همزه واقع می شود، در این صورت نقطه آن را نمی نویسند (ی)، مانند:

حَدَائِقَ - تَسْتَلُونَ - شَانِكَا - أَنْبَهُمُ - جَنَّتِكَ - ذَائِقَةُ.

۲- پایه و کرسی الف مدّی:

واو و یاء در بعضی از کلمات باید بصورت الف خوانده شوند، مانند: (صلوة - موسی) که خوانده می شوند (صلاة - موسا). در چنین مواردی برای راهنمایی قاری روی واو و یاء، الف کوچکی قرار داده اند تا قاری قرآن متوجه تلفظ صحیح این دو حرف باشد، (ی - و) و با توجه به اینکه در کلیه این موارد، حرف قبل، مفتوح است، این الف باعث دو برابر شدن مدّ و کشش صدای فتحه قبل می شود و واو و یاء در حکم پایه و کرسی برای الف مدّی خواهد بود مانند:

صَلَوَةٌ - ضُحَى - تَلِيهَا.

در قرآنهاى با رسم الخط ایرانی، فتحه حرف قبل را بصورت ایستاده و واو و یاء را بدون علامت نوشته اند، مانند:

صَلَوَةٌ - ضُحَى - مِشْكُوَةٌ - أُولَى - غَدَاوَةٌ - لِلْعُسْرَى - مَنُوَةٌ - تَلْطَى - زَكْوَةٌ - يَتَزَكَّى - الْحَيَوَةُ - فَتَدَلَّى - نَجْوَةٌ - اسْتَعْلَى.

لازم به یادسپاری است که بعضی وقتها یاء کوچک (ی) پایه و کرسی الف مدّی واقع می شود؛ در این صورت نقطه آن را نمی نویسند (ی)، مانند:

ضُحْبَهَا - ذِكْرُهُمْ - دَسْبَهَا - مَثُوبَكُمْ - فَسُوبَهَا - نَرْبِكَ.

۳- الف جمع:

افعالی که آخر آنها به حرف واو جمع، ختم می شود، در صورتی که بعد از واو جمع، ضمیری نیامده باشد لازم است بعد از آن واو، الفی آورده شود تا واو جمع با واو غیر جمع اشتباه نشود، مانند:

نَصْرُوا - فَرِحُوا - اَمَّنُوا - كَانُوا - صَبَرُوا - تَعَثَّوْا.

به این الف - اضافه بر الف جمع - الف فارقه نیز می گویند، چرا که این الف تمیز دهنده واو جمع از غیر جمع می باشد.

۴- واو مدئی در شش کلمه:

در قرآن به شش کلمه برمی خوریم که با واو مدئی (أو) نوشته شده، ولی واو مدئی آنها خوانده نمی شود هیچ قاعده و ضابطه ای در مورد این کلمات ذکر نشده است. چگونگی نوشتن و قرائت این شش کلمه عبارت است از:

نوشته شده:

أُولَى - أَوْلُوا - أَوْلَاءِ - أَوْلَاتٍ - أَوْلِيكَ - سَأُورِيكُمْ.

خوانده شده:

أَلِي - أَلُوا - أَلَاءِ - أَلَاتٍ - أَلِئِكَ - سَأُورِيكُمْ.

لازم به یادسپاری است که در بعضی از قرآنها برای راهنمایی قاری، روی الف جمع و واو این شش کلمه دایره کوچکی قرار داده اند (ـ) تا بر عدم تلفظ این دو حرف دلالت کند، مانند:

أَقِيمُوا - عَمِلُوا - سَأُورِيكُمْ - أَوْلِيكَ - أَوْلُوا - أَوْلَاءِ - أُولَى.

۵- همزه وصل در درج کلام:

تلفظ کلماتی که ابتدای آنها ساکن باشد، مشکل و یا غیر ممکن است، مانند:  
(نَصْرٌ - هَبِطٌ).

برای سهولت و امکان پذیر شدن تلفظ چنین کلماتی از الف متحرکی به نام همزه وصل، کمک می گیرند.

همزه وصل در ابتدای کلام خوانده می شود، ولی در وسط دو کلمه خوانده نمی شود، مانند:

أَدْخُلُوا - يَا قَوْمِ ادْخُلُوا.

در مقابل همزه وصل، همزه دیگری به نام همزه قطع است که در ابتدا و وسط کلام خوانده می شود، مانند:

أَرْسَلْنَا - لَقَدْ أَرْسَلْنَا.

۶- حروف مدّی نزد همزه وصل:

هرگاه حروف مدّی به همزه وصل، برخورد کنند میان حروف مدّی (که ذاتاً ساکن می باشند) و حرف بعد از همزه وصل (که همیشه ساکن یا مشدّد می باشد) التقاء ساکنین پیش می آید. برای رفع التقاء ساکنین، حروف مدّی خوانده نمی شوند، مانند:

وَ إِذَا الْجِبَالُ - فِي الْمَدِينَةِ - ذُو الْعَرْشِ.

که خوانده می شوند:

وَ إِذْ الْجِبَالُ - فِ الْمَدِينَةِ - ذُلْعَرْشِ.

-لام (ال) تعریف نزد حروف شمسی:

(ال) تعریف، شامل دو حرف الف و لام می باشد که الف آن، همزه وصل است (در ابتدای کلام خوانده می شود و در وسط جمله خوانده نمی شود) و لام آن نزد حروف دو حالت دارد: نزد چهارده حرف قمری که در این کلمات خلاصه شده: (عجبا که خوف حق غمی) اظهار و نزد چهارده حرف شمسی، تبدیل به حروف شمسی شده و در هم ادغام می شوند. برای راهنمایی قاری در چنین مواردی لام را بدون علامت سکون، و در عوض، حرف بعدی را مشدّد نوشته اند.

ال در حروف قمری مانند:

وَالْمُطَلَّقَاتُ - وَالْيَوْمَ الْآخِرِ - مِنَ الْكِتَابِ - وَالْحِكْمَةُ - وَالْوَالِدَاتُ.

ال در حروف شمسی مانند:

إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ - أَنْ يُتِمَّ الرِّضَاعَةَ - عَلَى الصَّلَوَاتِ - وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ.

حروفی که نوشته نشده ولی باید خوانده شوند

در قرآن به سه حرف (ا-و-ی) بر می خوریم که در نگارش بعضی از کلمات قرآن نوشته نشده ، ولی باید خوانده شوند ،

به طور کلی می توان موارد آنها را به دو دسته تقسیم کرد:

۱- مواردی که جزء اصل کلمه می باشند.

۲- مواردی که جزء اصل کلمه نمی باشند

مواردی که جزء اصل کلمه می باشند. (الف) ، (واو) ، (باء) در بعضی کلمات نوشته نشده است

عرب زبانها در نگارش اولیه خود از تکرار سه حرف (ا-و-ی) جلوگیری می کردند

و هرکجا یکی از این سه حرف در کلمه ای پشت سر هم تکرار می شد به نوشتن یکی از آنها اکتفا می کردند،

مانند: نَبِیِّنَ - یَسْتَوُونَ - تَرَاءُ - بَأْوُ که به این صورت می نوشتند: نَبِیِّنَ - یَسْتَوُونَ - تَرَاءُ - بَأْوُ

بعد از آن که قرآن را برای صحت قراءت علامت گذاری کردند ، در بعضی از قرآنها برای راهنمایی

قاری ، در چنین مواردی (ا-و-ی) کوچکی اضافه نمودند، مانند: نبین - یستون - ترء - باؤ

در بعضی دیگر از قرآنها با ایستاده نوشتن حرکت فتحه و کسره و نوشتن حرکت ضمه به این شکل

لزوم تلفظ آنها را مشخص کرده اند مانند: نبین - یستون - ترا - باؤ

در رابطه با مبحث (حروفی که نوشته نشده ولی خوانده می شوند). بیشتر به سه حرف «ا، و، ی» بر می خوریم که نوشته نشده ولی باید خوانده شوند در کتب رسم و ضبط قرآن، برای عدم کتابت آنها، سه وجه را ذکر کرده اند که عبارتند از:

الف: عوض از آن حرف، حرف دیگری در کلمه موجود است:

در بحث حروف ناخوانا متذکر شدیم که بعضی وقتها الف مدّی به صورت واو، و یاء نوشته می شود، در این صورت دیگر الف مدّی را در نگارش نمی آورند زیرا عوض از آن در کلمه موجود است، مانند:

صَلَوَةٌ، هُدَىٰ به جای صَلَاةٍ، هُدَا

این قسمت بر اساس رسم الخط قرآن‌های موجود، داخل مبحث حروف ناخوانا خواهد بود زیرا که وجود الف مدّی را با علامت مشخص کرده‌اند تا قاری قرآن متوجّه تلفّظ واو و یاء این سری از کلمات به صورت «الف» باشد در این صورت این واو و یاء در هنگام قرائت، تلفّظ نمی‌شوند.  
ب - اختصار: مانند:

عَلَمِينَ، رَحْمَنَ به جای عَالَمِينَ، رَحْمَانَ.

ج - جلوگیری از اجتماع مثلین: عرب‌ها از تکرار سه حرف «ا، و، ی» خوش نداشتند و برای جلوگیری از تکرار، یکی از آن دو را در نگارش نمی‌نوشتند، مانند:

نَبِيْنِ، يَسْتَوُوْنَ، بَاوُو، تَرَاءُ

که به این صورت می‌نوشتند:

نَبِيْنِ، يَسْتَوُوْنَ، بَاوُ، تَرَاءُ

بعد از آن که قرآن را برای راهنمایی قاریان قرآن علامت‌گذاری کردند، درباره این سری از کلمات که حرفی از آن در نگارش نیامده بود، اختلاف نظر پیدا شد، علمایی که نگارش قرآن را همانند خود قرآن وحی مُنَزَّل می‌دانستند، اجازه هیچ‌گونه دخل و تصرفی در نگارش قرآن نمی‌دادند اگر چه نگارش کلمه‌ای بر خلاف قاعده و ناشی از اشتباه کاتب و یا نداشتن قاعده و ضابطه معین برای نگارش در آن عصر و زمان بود.

ولی در موارد فوق این اجازه را داده‌اند تا با خط ریز و نازک این سه حرف را در جاهایی که نوشته نشده اضافه شود تا راهنمای قاری بر صحّت قرائت قرآن باشد. مانند:

نَبِيْنِ، يَسْتَوُوْنَ، بَاوُو، تَرَاءُ.

ی

۱- مدّ (~) :

یعنی کشیدن و در اصطلاح تجوید، کشش صوت است.

قاعده مد :

اگر صداهای آ ، ای ، اُو(حرف مدّ) به (سبب مدّ) یعنی همزه (ء) ، سکون ( ° ) و تشدید ( ˆ ) برسد برای زیبا سازی قرائت صدای مد کمی طولانی تر خوانده می شود . و علامت آن ~ است.

انواع مدّ:

مدّ متصل: مدّی که صدا و سبب مدّ در یک کلمه باشد. مانند: ماء، سماء

مدّ منفصل: مدّی که صدا و سبب مدّ در دو کلمه باشد. مانند:

بِمَا نَزَلُ ، فِي أَنْفُسِهِمْ

مدّ عارضی: مدّی است که بعد از حرف مدّ، حرف ساکنی واقع شود که سکون آن به سبب وقف یا ادغام، یا پایان آیه عارض شده باشد.

مثال:

مدّ به سبب وقف: أَلْبَابُ - يُؤْمِنُونَ - نَسْتَعِينُ

۲- وقف:

وقف یعنی ایستادن، توقف کردن و در نگ کردن و در اصطلاح تجوید جداساختن کلمه از مابعد آن است و ضد آن وصل است و میانه وقف و وصل سکت می باشد.

اکنون باید به دو سوال پاسخ داد.

الف): کجا وقف کنیم؟

۱- آخر آیه محل وقف است.

۲- برسر رموز سبحاوندی وقف می کنیم.

علائم و نشانه ها:

۱- م وقف لازم یعنی ۱۰۰٪ وقف شود.

۲- ط وقف مطلق یعنی ۸۰٪ وقف شود.



- ۳- ج وقف جایز یعنی ۶۰٪ وقف شود.
- ۴- ز وقف مُجَوِّز یعنی ۵۰٪ وقف شود.
- ۵- ص وقف مرخص (رخصت) ۴۰٪ وقف شود.
- ۶- لا وقف نشود بلکه لازم است حتماً وصل شود.

تبصره :

علائم دیگری نیز وجود دارد مانند قلی ، صلی  
 قلی : وقف اولی است.  
 صلی : وصل اولی است.

ب) چگونه وقف کنیم ؟

۱- صداهای کوتاه به سکون تبدیل می شود :       
 مثل : کِتَابٌ ← کتاب

۲- صداهای بلند در وقف و وصل یکسان است. آ ای اُ  
 مثال : قالوا اَلینا کِتَابی

۳- تنوین های           به سکون وقف می شوند.

مثال : شیء ← شی کِتَابٌ ← کِتَاب

۴- تنوین      به « آ » وقف می شود. کِتَاباً ← کِتَابَا

۵- ه با هر علامتی که باشد به ه ساکن وقف می شود. صلوة ← صلوه

### ۳- استعلاء و استفال

از ۲۸ حرف زبان عربی ۷ مستعلیه و ۲۱ حرف مستفله است .

استعلاء :

مصدر باب استفعال به معنای طلب بلندی کردن است و هفت حرف از الفبای زبان عرب را که عبارتند از: « خ - ص - ض - ط - ظ - غ - ق » حروف مستعلیه خوانند زیرا هنگام ادای آنها دهان جمع و صدا میل به بالا پیدا می کند (صوت وزبان میل به کام بالا می کنند و با تفخیم و غلظت تلفظ می شوند) مثل: قال، خالدین

استفال :

استفاله مصدر باب استفعال و به معنای پایین آوردن و ضد استعلاء است، ۲۱ حرف بقیه را مستفله گویند. زیرا هنگام تلفظ آن ها صوت به طرف پائین میل کرده و به پستی و نازکی ادا می شوند. دهان باز می شود و صدا میل به پائین پیدا می کند مانند کَانَ ، ماء .

### ۴- سکت : (سکوت آنی )

سکت مشتق از سکوت و عبارتست از قطع صدا و حرکت بدون قطع نفس که حد فاصل بین وقف و وصل است که پس از قطع صوت، ما بعد آن بدون تازه کردن نفس خوانده می شود . و علامت آن «س» است که در بالا یا پایین کلمه مربوطه نگاشته می شود . در قرآن مجید در چهار موضع سکت صورت می گیرد :

الف - آیه اول و دوم سوره ی کهف ..... عَوَجَا س قِيمًا

ب - آیه ۵۲ سوره ی یس ..... مِنْ مَرَقَدَا س هَذَا

ج - آیه ۲۷ سوره ی قیامت ..... وَقِيلَ مِنْ س رَاقٍ

د - آیه ۱۴ سوره ی مطففین ..... كَلَّا بَلْ س رَانَ

### ۵- مخارج حروف

جایگاهی که حرف از آن تلفظ می شود مخرج آن حرف است .

الف) حروف حلقی کدام است؟

شش حرف از حلق ادا می شود که به آنها حروف حلقی می گویند و آنها عبارتند از:

الف) انتهای حلق ( اقصى الحلق ) : أ ، ه

ب) میان حلق ( وسط الحلق ) : ح ، ع

ج) ابتدای حلق ( ادنى الحلق ) : غ ، خ

ب) حروف شفوی کدام است؟

چهار حرف ( ب ، و ، ف ، م ) را که مخرج آن ها از لب است «حروف شفوی» می گویند.

ج) فمی

هجده حرف دیگر که از فضای دهان گفته می شود فمی (دهانی) گویند بعضی از اول ، بعضی از وسط و بعضی از آخر دهان گفته می شوند.

برای شناسایی مخرج هر حرف کافی است به حرف مورد نظر همزه اضافه کنیم و تلفظ نمائیم مانند  
ث ← أث      د ← أد      ص ← أص ...

تذکر مهم : در بعضی موارد اگر مخارج حروف رعایت نشود مُخل نماز و قران خواندن است زیرا  
معنای کلمه عوض می شود. مانند حلال و هلال ، عَلیم و آلیم ، سمدوصمد

۶- ادغام :

ادغام مصدر باب افعال و در لغت کوبیدن دو چیز در هم و در اصطلاح علم تجوید کوبیدن دو حرف در یکدیگر برای سهولت در تلفظ است. بطوریکه اثری از حرف اول باقی نماند و زبان فقط یک مرتبه درمخرج حرف مورد نظر قرار می گیرد و حرف مشدد تلفظ می گردد.

حرف اول را مدغم (ادغام شده) و دوم را مدغم فیه (ادغام شده در آن) نامند.

در فارسی مانند: یادداشت

اقسام ادغام:

الف) متماثلین:

هر گاه دو حرف متماثل (مانند هم) پهلوی هم قرار گیرند. مثل: لَهْمٍ مِنْ، فَلَايَسِرْفِ فِي الْقَتْلِ، قَدَدْنَا  
أَجَلِي

ب) متجانسین:

هر گاه دو حرف متجانس یعنی متحدالمخرج و متغایر در صفت پهلوی هم واقع گردند (مثل هم نیستند ولی مخرشان یکی است) در فارسی مثل: بدتر،

در عربی مثل: قَدَّتَبِينِ الرَّشْدِ (حروف د- ت)، قَالَتْ طَائِفَةٌ (حروف ت- ط)، اِذْ ظَلَمْتُمْ (ذ- ظ)

ج) متقاربین:

چنانچه دو حرف متقارب یعنی قریب المخرج یا قریب الصفت پهلوی هم واقع شوند اعم از آنکه در یک یا دو کلمه باشند ادغام انجام می شود. مانند: اَلَمْ نَخْلُقْكُمْ = اَلَمْ نَخْلُقْكُمْ ، اِذْ تَادُّنْ = اِ تَادُّنْ  
لَقَدْ صَرَّفْنَا = لَقَصَّرْنَا

## ۷- احکام تنوین و نون ساکن

الف ( ادغام ) :

اگر تنوین و نون ساکن به یکی از حروف ( ی ر م ل و ن ) برسد ادغام صورت می گیرد.

در حروف ( ر ، ل ) ادغام کامل یا بلاغنه انجام می شود و در بقیه حروف ادغام ناقص یا باغنه صورت می گیرد. ادغام کامل مانند : مِنْ رَبِّكَ ، ادغام ناقص مانند : صِيْحَهُ وَاحِدَهُ

« باغنه یعنی حرف را از بینی ادا کردن و بلاغنه یعنی از بینی کمک نگرفتن »

ب ( اظهار ) :

اگر تنوین و نون ساکنه به حروف حلقی ( ء ، ه ، ح ، خ ، ع ، غ ) برسد ، نون تنوینی یا نون ساکن کاملاً تلفظ می شوند یا به اصطلاح اظهار صورت می گیرد .

مانند حَكِيمٌ عَلِيمٌ ، عَذَاباً أَلِيماً

ج ( ابدال ) :

اگر تنوین و نون ساکن به حرف ب برسد نون ساکن یا تنوین به میم تبدیل می شود . مثل : مِنْ بَعْدِ سَمِيْعًا مَبْصِيْرًا

د ( اخفاء ) :

اگر تنوین یا نون ساکن به بقیه حروف رسید (حروف مابقی) نه ادغام می شود و نه اظهار بلکه حالتی بین آندو که آنرا اخفاء گویند. مانند انْتُمْ ، كِتَابٌ كَرِيْمٌ

خواجه نصیر الدین طوسی که درود خداوند بر او باد در رباعی زیر احکام چهار گانه فوق را چنین جمع آوری فرموده است .

تنوین و نون ساکنه حکمش بدان ای هوشیار

کز حکم آن زینت بود اندر کلام کردگار

در یرملون ادغام کن در حرف حلق اظهار کن

در نزد باء قلب به میم در مابقی اخفا بیار

۸- احکام لفظ جلاله الله

الف ( ترفیق : ( رقیق خواندن )

اگر قبل از لفظ جلاله « الله » کسره باشد ترفیق صورت می گیرد یعنی کلام نازک ادا می شود

مانند کلمه بِسْمِ اللَّهِ ، بِاللَّهِ

ب ( تفخیم :

اگر قبل از « الله » ضمه یا فتحه باشد کلمه درشت تلفظ می شود

مانند : مِنْ اللَّهِ      رَسُولُ اللَّهِ

تبصره :

اصطلاح تفخیم در مورد حرف « را » نیز به کار می رود مشروط بر آن که مفتوح یا ماقبلش مفتوح باشد . مانند رَحِيم ، آر حَم الرَّاحِمِين

#### ۹- روش های تلاوت قرآن مجید

##### الف ( روش تحقیق

در این روش تلاوت کننده ، با صبر و حوصله و صرف وقت ، آیات را می خواند ، حق هر کلمه را ادا می کند ، مخارج حروف را رعایت می کند ، مد ها را به طور کامل می آورد ، محل های وقف را مراعات می کند ، اشباع های لازم را در نظر می گیرد و در یک کلام حق تلاوت را به جا می آورد .  
این روش برای آموزش مناسب است .

##### ب ( روش تحدیر

در این روش تلاوت کننده ، قصدش تند خوانی است ، بنا بر این آیات را سریع می خواند ، مخارج حروف را به طور نسبی رعایت می کند ، مد ها را تا حدودی مراعات می کند ، وقف ها را چندان در نظر نمی گیرد و در یک سخن با عجله قرآن را تلاوت می کند

این روش معمولاً در ختم قرآن به کار گرفته می شود

##### ج ( روش تدویر

روش تدویر حالتی بین تحقیق و تحدیر است . در این روش تلاوت کننده ، نه حوصله تحقیق را به کار می بندد و نه سرعت تحدیر را  
روش تدویر در تلاوت عادی به کار گرفته می شود

## د) روش ترتیل

ترتیل در لغت یعنی مرتب کردن ، همانند مرتب کردن شتران در یک روان برای رسیدن به منزل

مورد نظر!!

در این روش تلاوت کننده ، الفاظ کلام الله را به روش تدویر می خواند ولی به معانی و حقایق قرآن نیز توجه دارد هم حق الفاظ و کلمات را ادا می کند وهم در آیات تدبیر می کند . اگر به آیات رحمت رسید شادمان می شود واگر آیات عذاب را تلاوت کرد به خدا پناه می برد ، اگر به یا ایها الذین آمنوا رسید لبیک می گوید وخود را آماده عمل می سازد ودر یک سخن خود را مخاطب قرآن می داند.طبیعی است این روش بسیار سازنده وموثر خواهد بود.

ترتیل روش مطلوب قرآن وبهترین روش تلاوت « کلام الله » است . در سوره مزمل چنین می خوانیم  
: ورتل القرآن ترتیلا

تستی (جوابهای صحیح زیرش خط کشیده شده

است)

۱-اسامی حروفی که به همزه ختم می شوند، در هنگام قرائت حروف مقطعه ....

الف:به اندازه چند حرکت مد و کشش داده می شوند.

ب : همزه آنها خوانده نمی شوند

ج :به صورت قطعه قطعه خوانده می شوند.

د :الف و ج صحیح است

۲-حروف مقطعه ،حروفی هستند که در اوائل ۲۹ سوره از ۱۱۴سوره ی قرآن کریم آمده است

وباید آن را ..... بخوانیم.

الف:به صورت قطعه قطعه و هر حرفی با اسم عربی آن

ب: با همزه

د:هر سه مورد صحیح است

ج:با مد و کشش بیشتر

-نحوه خواندن حروف مقطعه ((کهیعض)) عبارت است از:

ب: کاف ، هاء ، یاء ، عین

الف: ک، ه، ی، ع، ص

،صاد

د:کاف، ه، ی، عین، صاد

ج: کاف، ها، یا، عین، صاد



۴-..... اولین شخصی بود که قرآن برای صحت قرائت مسلمانان، علامت گذاری نمود.

الف: خلیل بن احمد فراهیدی

ب: ابوالاسود دوئلی

ج: نصر بن عاصم

د: زید بن ثابت

۵- ((حرف مدی)) به حرفی گفته می شود که....

الف: با علامت مدّ مشخص شده باشد .

ب: بعد از آن سبب مدّ

آمده باشد

ج: باعث مدّ و کشش حرکت حرف قبل شود .

د: هر سه مورد صحیح

است.

۶- در عبارت ((فما او تیتم من شیء فمتاع الحیوه الدنیا)) چند حرف مدّی صدای کشیده به کار رفته

است .

الف: ۶

ب: ۸

ج: ۹

د: ۷

۷- کدام یک از تعابیر ذیل، با ((واو مدّی)) صحیح است.

الف: واو ساکن ماقبل مفتوح

ب: واو ساکن ماقبل

مضموم

ج: واو مضموم ما قبل مضموم

د: واو مضموم ما قبل مفتوح

۸- در کدام یک از کلمات ذیل یاء مدّی (صدای کشیده کسره) به کار رفته است.

الف: خیر

ب: عظیم

ج: هدی

د: الف و ب صحیح است

۹- در کدام یک از سری کلمات ذیل ((الف مدّی)) به صورت درشت و غلیظ ادا می شوند.

الف: صلوات ، اصاب ، معایش

ب: منافقات ، یطاف ، حال

ج: حجرات ، خالک ، غالب

د: عاهد ، قاتل ، رواسی

۱۰- ((حرف ساکن)) به حرفی می گویند که....

الف: هیچ گونه حرکتی نداشته باشد

ب: دارای علامت سکون باشد

ج: با حرف قبلش به یک بخش خوانده شود

د: هر سه مورد صحیح است

۱۱- عبارت ((لَنْصَدَّقَنَّ)) به چند بخش خوانده می شوند.

الف: ۶ بخش

ب: ۵ بخش

ج: ۷ بخش

د: ۸ بخش

۱۲- هرگاه بعد از حرف مدّی ،..... قرار گیرد ، حرف مدّی را باید بیش از حالت طبیعی مدّ و کشش داد.

د:هر سه مورد

ج:علامت مدّ

ب:همزه وصل

الف:حرف ساکن

صحیح است

۱۳-تنوین نون ساکن زائدی است که برای ..... نوشته نشده ولی خوانده می شود.

الف:این که با نون اصلی کلمه اشتباه نشود.

ب:سهولت در تلفظ

ج:زیبایی و جای کم گرفته شدن

ج:هر سه مورد

۱۴-حروف ناخوانا، چهار حرف اول ((ا-ل-و-ی)) می باشد که ..... خوانده نمی شوند.

الف:برای زیبای نوشته شده ولی

ب:در هیچ جای قرآن

ج:در بعضی از کلمات قرآن

د:هر سه مورد صحیح است

۱۵-در عبارت ((و اتقوا الله)) چند حرف ناخوانا به کار رفته است.

الف:۳حرف

ب:۵حرف

ج:۴حرف

د:۶حرف

۱۶-الف جمع الفی است که.....

الف:بعد از واو آخر کلمه قرار می گیرد

ب:دو کلمه را با هم جمع می کند

ج:بعضی وقتها ناخوانا می باشد

د:هر سه مورد صحیح است

### احادیث و مطالب اخلاقی

۱-علوم اسلامی کدام است؟

(۱)عقاید (۲)احکام (۳)اخلاق (۴)قرآن (تفسیر، لغت، صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، قرائت و...)

(۵)تاریخ

۲-آثار محبت اهل بیت را بنویسید.

حضرت رسول-صلی الله علیه و آله-فرمودند:

محبت من و محبت اهل بیت من در هفت جای مهم به کار شما می آید:

(۱)هنگام وفات

(۲)در قبر

(۳)هنگام برپایی قیامت

(۴)هنگام حساب

(۵)کنار میزان

۶) هنگام دادن نامه ی اعمال

۷) هنگام عبور از پل صراط

۳- ایستگاه های پل صراط را نام ببرید.

حضرت رسول-صلی الله علیه و آله- فرمودند: پل صراط هفت ایستگاه دارد:

۱) صله ی رحم، امانتداری، ولایت (اطاعت از اهل بیت علیهم السّلام)

۲) نماز

۳) روزه

۴) خمس و زکات

۵) حج

۶) طهارت

۷) مظالم (حق الناس)

۴- دشمنان انسان کدامند؟ (۱) هوای نفس (۲) شیطان

۵- راههای نفوذ شیطان در انسان را بر اساس آیه ۱۷ سوره اعراف بنویسید.

۱) روبرو: یاد مرگ و قیامت را از ذهن مردم می برد.

۲) پشت سر: مردم را به ثروت اندوزی تشویق و موقع مصرف در راه خدا مانع می شود.

۳) راست: اعمال را به ریا آلوده می کند.

۴) چپ: شهوات .

( منبع: تفسیر نمونه ج ۶/ذیل

آیه ی شریفه ۱۷ سوره ی اعراف).

۶- تقوا یعنی چه؟

تقوا (ذکر) به معنای: ۱/ انجام واجبات و ترک محرمات (اعتقادی و عملی) ۲/ پرهیز از پرگویی ۳/ پرهیز

پر خوابی ۴/ پرهیز پر خوری ۴/ پرهیز از لهو و لعب ۵/ پرهیز از بازیهای بیهوده ۶/ پرهیز

از مستی (شراب، جوانی، قدرت، مقام، علم، ثروت و...) می باشد.

۷- عوامل کمکی در تقوا کدام است؟ (۱) روزه (۲) نماز شب (۳) مناجات و یاری طلبی از

خدا

۸- انواع نماز گزاران را بر اساس حدیث پیامبر- صلی الله علیه و آله- بنویسید.

حضرت رسول- صلی الله علیه و آله- فرمودند: امت من بر چهار دسته اند:

۱) نماز نمی خوانند: در جهنمی به نام (سقر) عذاب می شوند.

۲) گاه گاه نماز می خوانند: در جهنمی به نام (غی) عذاب می شوند.

۳) در نماز سهل انگارند: در جهنمی به نام (ویل) عذاب می شوند.

۴) در نماز خاضع و خاشعند: در بهشت هستند.

۹- آثار طهارت دائم:

۱- عمر را زیاد می کند ۲- حافظه را قوی می کند ۳- روزی را می افزاید ۴- کسی که با وضو بخوابد گویا تا صبح عبادت کرده است ۵- کسی که با وضو بمیرد ثواب شهید دارد ۶- خود وضو داشتن عبادت است.

۱۰- انواع مرگ را نام ببرید؟

حضرت علی - علیه السلام - می فرماید مردم هنگام مرگ بر سه دسته اند:

دسته ی اول کسانی هستند که از همان اول متوجه می شوند که اهل بهشت هستند و آنان دوستان اهل بیت می باشند.

دسته دوم کسانی هستند که از همان اول متوجه می شوند که اهل جهنم هستند و آنان دشمنان اهل بیت می باشد.

دسته سوم کسانی هستند که در یک حالت سرگردانی و حیرت از دنیا می روند و باید منتظر باشند تا روز قیامت تکلیفشان معلوم شود و آنان مؤمنانی هستند که گناهان زیادی نموده و بر نفس خود اسراف نموده اند.